

## داور واقعی ترجمه کیست؟

### علی صلح‌جو

آیا می‌توان بدون دانستن زبان مبدأ و مقایسه ترجمه با آن درباره ترجمه داوری کرد؟ به نظر نمی‌رسد بتوان گفت «آری». آیا به صرف دانستن زبان مبدأ می‌توان ترجمه‌ای را با اصل آن مقایسه کرد؟ مسلماً نه، زیرا بدون تسلط به زبان مقصد این کار عملی نیست. اما تسلط به زبان مبدأ و مقصد، بدون تعیین حدود حوزه علمی، بی‌معنی است. بسیاری بر آن‌اند که با داشتن این سه مهارت می‌توان داور مناسبی بود برای ترجمه.

اما، علاوه بر سه مهارت مزبور، نکته دیگری نیز برای داوری لازم است. این نکته‌ای است بسیار ظریف که من تاکنون ندیده‌ام کسی به آن اشاره کرده باشد. البته خودم قبلاً در مقالاتی، به مناسبت، به آن اشاره کرده‌ام. قضیه مربوط می‌شود به چگونگی مقایسه. اشتباه بزرگی که همواره در این میان پیش می‌آید این است که، در جریان مقابله دو متن، ابتدا جمله متن مبدأ و سپس جمله متن مقصد را می‌خوانند. این کار درست نیست. کسی که مفهوم را از مبدأ می‌گیرد آمادگی ذهنی بسیار زیادی برای درست تلقی کردن جمله‌های به اصطلاح معادل آن در متن مقصد دارد، هرچند که آن جمله، به لحاظ معادل بودن، نارسائیهای مهمی داشته باشد.

من این مسئله را در ویرایش تجربه کرده‌ام و یکی از آفتهای بزرگ ویرایش در کشور ما همین است. تا آنجا که من شاهد بوده‌ام، ویراستاران متنهای ترجمه شده در ایران ابتدا جمله‌ها را به زبان اصلی می‌خوانند سپس به سراغ جمله‌های فارسی می‌روند. این حرکت، ماهیتاً، فرایندی خطاپوش است و به خصوص اشکالات نحوی را نشان نمیدهد. همین فرایند است که، به حق، به فریاد خواننده منجر می‌شود. نکته مورد نظر دقیقاً اینجاست که همین ویراستار، که خود جمله فارسی را خوانده، فهمیده و پذیرفته است، چنانچه در جای خواننده قرار گیرد، همان فریاد از نامفهوم بودن جمله‌ها را سرخواهد داد. متأسفانه، ویراستاران ما متوجه این موضوع نیستند. به عبارت دیگر، آنان غافل‌اند که معنای جمله‌ها را نه از زبان ترجمه بلکه از زبان اصل می‌گیرند. تمام ترجمه‌های تحلیلفظی، که خواننده عادی در فهم آنها ناتوان می‌ماند، از آزمون مقابله با متن اصلی سربلند و موفق بیرون می‌آیند.

برای اثبات قضیه بالا، بارها در مسیر برعکس حرکت کرده‌ام و باز به همین نتیجه رسیده‌ام. تصمیم گرفته‌ام که ابتدا جمله ترجمه شده (جمله فارسی) را بخوانم و سپس آن را با جمله زبان مبدأ (زبان خارجی) مقابله کنم. بارها پیش آمده است که هر چه تلاش کرده‌ام نتوانسته‌ام معنی جمله فارسی را بفهمم اما — و این برای کسانی که این تجربه را ندارند شگفت می‌نماید — وقتی همان جمله را به زبان اصلی خوانده و دوباره به جمله فارسی بازگشته‌ام آن را مفهوم و بدون عیب و نقص یافته‌ام. چگونه می‌شود جمله‌ای در زبان مقصد، در مقایسه با جمله معادلش در زبان مبدأ، کاملاً درست باشد و چیزی کم نیاورد، اما نتوان فی‌نفسه — بدون نگاه به جمله سرچشمه — آن را فهمید؟ آری، می‌شود. فقط باید تجربه عملی داشت. البته، توجیه نظری قضیه نیز چندان پیچیده نیست. این گونه جمله‌های نامفهوم جمله‌هایی هستند با واژه‌های درست و نحو نادرست.

به سخن دیگر، علت این که ما آن را درست تلقی می‌کنیم این است که در قرائت دوم — قرائت بعد از قرائت متن اصلی — آنها را با نحوی که لحظه‌ای قبل از زبان مبدأ گرفته‌ایم می‌خوانیم. این فهم، در واقع، برآمده از زبان مبدأ است نه مقصد. تصویر درستی که جمله سالم مبدأ در ذهن ما ساخته با نگاه کردن به جمله ناسالم فارسی سلامت خود را از دست نمی‌دهد؛ سهل است، جمله ناسالم را سالم جلوه می‌دهد. در این فرایند، چنانچه واژه‌ای کم یا اضافه شده باشد، به وضوح به چشم می‌آید و ویراستار آن را اضافه یا حذف می‌کند، اما نحو تحت اللفظی نادیده می‌ماند.

بنابراین، در مقام مقایسه می‌توان گفت که ویراستار (همچنین مترجم) از دو سرچشمه می‌نوشد که یکی از آنها، الزاماً، آبش گوارا و رضایت‌بخش است در حالی که خواننده فقط به یکی، آن هم به غیراصیلش، دسترسی دارد. او، بدون هیچ ابزار کمکی، در برهوت متن مقصد سرگردان و بدون یاور است. به آسانی نمی‌توان خواننده را به بی‌سوادی و اهل اصطلاح بودن متهم کرد و قضیه را فیصنه داد. در بسیاری موارد حق با خواننده است.

برای بازگشت به موضوع بحث (داور حقیقی ترجمه) به موردی عینی اشاره می‌کنم. سام محمودی، در مقاله «ترمینولوژی این زبان دیوانه (گزارشی از وضعیت ترجمه آثار فلسفی)»، در دفاع از ادیب سلطانی و ترجمه‌اش از سنجش خرد ناب کانت می‌نویسد: «البته نباید از خاطر برد که گاه سختی خود متن اصلی چنان چالشی را با مترجم آغاز می‌کند که گریزی از سخت‌نویسی نیست. به این معنا که این امانت، باری سنگین بر دوش جناب مترجم محسوب می‌شود و در این اثنا اگر تساهل و تسامح اختیار کند، همه، داد از مرعوب شدن مترجم در برابر متن اصلی می‌زنند و اگر هم تلاش خود را مصروف برگردان

جزء به جزء برخی واژه‌ها کند سرنوشتی چون «او» پیدا می‌کند که هر روز نقدی را باید متحمل شود در حالی که بسیاری از مترجمان امروزی ما وامدار اویند: میرشمس‌الدین ادیب سلطانی. دکتر محمود عبادیان از جمله کسانی است که از این مترجم صاحب سبک دفاع می‌کند و حاضر است در جمعی تخصصی از ترجمه‌های ادیب سلطانی دفاع کند. به اعتقاد او کسانی که معتقدند می‌توانند بهتر از ادیب سلطانی ترجمه کنند، بهتر است به جای نقدهای بی‌پایه خود به ترجمه این آثار دست بزنند، ضمن آنکه باید توجه کرد متون تخصصی چون *سنجش خرد ناب* کانت و *منطق هگل* برای خواننده تخصصی و حرفه‌ای ترجمه می‌شود و نباید با ساده‌سازی آنها اصل اثر را تخریب کرد» (ضمیمه روزنامه اعتماد، ۴ اسفند ۱۳۸۷).

ترجمه ادیب سلطانی نوعی سبک است در عالم ترجمه. نظیر آن در کشورهای دیگر نیز وجود دارد با هواداران و مخالفان خاص خودش. اما موضوع مورد بحث ما اعتبار شخص دکتر محمود عبادیان در مقام داور ترجمه ادیب سلطانی از *تقد خرد ناب* است. با توجه به آن چیزی که درباره نگاه اول و دوم و مقایسه متن دوم با داشتن نحو و ساختار جمله متن اول در ذهن گفته شد، به نظر من دکتر عبادیان شخص مناسبی برای این کار نیست. دکتر عبادیان، از آنجا که خود استاد فلسفه و کاملاً آشنا با دنیای کانت است، نیازی به درک حرف کانت از طریق واژه‌های به کار رفته در ترجمه ادیب سلطانی ندارد، الا اینکه با رویت واژه‌های فارسی نو و ناب ادیب سلطانی به هنگام خواندن از آن لذت ببرد. عبادیان قبلاً دنیای کانت را درک کرده و اکنون با خواندن ترجمه ادیب سلطانی به نحوی دیگر از آن لذت می‌برد. درست مثل لذت بردن از اجرای نو و ابتکاری یک نمایش کلاسیک که بارها قبلاً آن را دیده‌ایم. بیننده‌ای که اجرای رسمی و طبیعی این تئاتر را ندیده باشد بعید است بتواند با آن ارتباط برقرار کند. دکتر عبادیان باید خودش را جای خواننده طبیعی و عادی متن ترجمه شده قرار دهد، کسی که اول بار مستقیم با متن ترجمه فارسی طرف است، نه خواننده‌ای که قبلاً به سبب تسلط بر زبان اصلی، شاهد را از چشمه اصلی نوشیده و اکنون با مزه‌مزه کردن فرآورده جدید خاطرۀ شاهد اصیل را در خود زنده می‌کند. آری، ترجمه ادیب سلطانی را می‌توان خواند، فهمید و لذت برد، اما فقط با این شرایط. داوری درباره ترجمه با معضلی ابدی روبروست. از سویی، برای اطلاع از صحت و دقت ترجمه باید به زبان مبدأ (زبان خارجی) مسنط بود، اما، از سوی دیگر، ترجمه نه برای چنین فردی بلکه برای کسی است که زبان خارجی نمی‌داند و به اعتباری داور نهایی ترجمه است. □